

الحمد لله
الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لاه
لولا أن هدانا الله
لكنّا كفّارون

راهبردهای تدریس

دانشگاه فرهنگیان



فهرست مطالب

روش تفکر استقرایی: تفحص در داده های تجربی و قابل مشاهده

پیشفرضها

فراگیران ادراک کنندگان طبیعی هستند. انسان در تمام مدت اطلاعات را سازمان داده و موارد، رویدادها، عواطف و همه چیز را مقایسه و مقابله می کنند. تفحص شاگردان بایستی حسی از پدید آمدن دانش در آنها ایجاد کند. بدون اطلاعات زمینه یابی درباره دایره ها و تنها در جستجوی پاسخ های تهیه شده دیگران بودن می تواند منجر به فهم و درک سطحی شود (درخصوص استفاده از تکنولوژی و منابع اطلاعاتی در تدریس)

هدف این روش تدریس

یادگیری نحوه تفکر به شکل استقرایی و رسیدن به حد تسلط بر قلمرو مفاهیم. برای رسیدن به این هدف، شاگردان به تمرین این روش نیاز دارند نه هدایت با آن.

تعریف تفکر استقرایی

- ▶ تفکر پژوهش محوری است که از مواجهه با داده های طبیعی و تجربی آغاز ، با طرح سوال و سازماندهی به داده ها ادامه و با ساخت ایده و دانش در ذهن به سرانجام می رسد. فراگیر از طریق کاوشگری منظم یاد می گیرد. کارهای استقرایی شامل نحوه ژرفنگری به اطلاعات و سازمان دادن آن در مفاهیم است. در این نوع تفکر، فراگیران دانش را ساخته و سپس آن دانش را از راه تجربه و مقابله با دانش خبرگان می آزمایند.
- ▶ استقرا فرایند رسیدن از جز به کل است. از داده های تجربی و قابل مشاهده آغاز و به ایجاد یک دیدگاه و نظر در فراگیر ختم می شود. بر اساس استقراگرایی، علم معرفتی ماخوذ از یافته های تجربی است که بواسطه مشاهده و آزمایش بدست می آید.

نقش معلم

▶ کمک به شاگردان در توانمند شدن در تمرکز بر یک قلمرو یا زمینه‌ی کاوشگری. برای این منظور نخست قلمرو دادها را به شاگردان ارائه می‌دهد سپس آنها را تشویق به جمع‌آوری اطلاعات و طرح سوالات درخصوص داده‌ها می‌کند. سپس به فراگیران برای تسلط مفهومی در آن قلمرو یاری می‌کند.

▶ نقش راهبردی تفکر استقرایی

▶ موجب می‌شود شاگردان اطلاعات را گرد آورده، آنرا از نزدیک بررسی کنند، اطلاعات را به شکل مفاهیم سازمان دهند و کنترل کردن آن مفاهیم را یاد بگیرند.

گامهای الگوی استقرایی به ترتیب اجرا

▶ گام اول: شناسایی قلمرو

▶ معلم با ایجاد موقعیت فعالانه فراگیر را به سوی یک منظومه از اطلاعات هدایت می کند. این مرحله فراگیر را متمرکز بر یک قلمرو ویژه می کند

▶ گام دوم: گردآوری و کدگذاری داده ها:

▶ معلم فراگیر را بسوی اطلاعات قرار گرفته در منظومه هدایت می کند و آنها را ترغیب به شناسایی و کدگذاری این اطلاعات می کند. یادگیرنده و داده ها در کنار هم قرار می گیرند و با تعامل این دو، ایده ها بروز پیدا می کنند. ایده ها بواسطه برقراری پیوند بین داده ها بروز می کنند.

▶ گام سوم: بررسی داده ها

▶ فراگیران با وقت کافی که در اختیارشان قرار می گیرد به بررسی شباهت ها و تفاوت های بین داده ها پرداخته و زمینه را برای مقوله بندی فراهم می کنند.

▶ گام چهارم: شکل دادن به مفاهیم با دسته بندی

▶ از فراگیران خواسته می شود داده ها را بر حسب شباهت و تفاوت در مقوله ها و دسته های موردنظرشان قرار دهند. مفاهیم د جریان ایجاد این مقوله بندی در ذهن فراگیر ایجاد میشوند. دسته بندی داده ها می تواند در چندین مرحله به انجام رسد. به این صورت که پس از هر بار دسته بندیاز آنها می خواهیم داده ها را چنانچه برایشان امکانپذیر است دوباره دسته بندی کنند.

- ▶ گام پنجم: تعیین روابط و تفحص درباره فرضیه های علمی
- ▶ در این گام تفحص شاگردان فرضیه های از داده ها ساخته و تصمیماتی را برای کاربرد و استفاده از مهارت شکل می دهند.
- ▶ گام ششم: ترکیب و انتقال
- ▶ در این گام فراگیران مجموعه دریافتهای خود را در قالب مفاهیم و مهارتها باهم ترکیب کرده و به کار می گیرند. فراگیر فرضیه های مطرح رده را به بوته آزمایش می گذارد و دانش را در موقعیتهای مختلف و زیاد به کار می گیرد. آزمون و تحکیم مهارتها بوسیله تمرین و کاربرد در این مرحله موردنظر است.

الگوی دریافت مفهوم: آموزش مشخص مفاهیم مهم

- ▶ در این الگو به شاگردان مجموعه داده هایی ارائه می شود و آنها به کشف تعلق برخی از موارد به مقوله ی از پیش تعیین شده توسط معلم هدایت می شوند. شاگرد مفاهیم ایجاد شده توسط کتاب و معلم را دریافت می کند.
- ▶ دریافت مفهوم عبارت است از جستجو و فهرست شناسه های مفاهیم مورد استفاده در تمیز نمونه ها از غیرنمونه های مقولات گوناگون.
- ▶ دریافت مفهوم از دانش آموز می خواهد شناسه های مقوله ای شکل یافته در ذهن فرد دیگری را شناسایی کند. این کار با مقایسه و مقابله مثالهایی (به نام نمونه ها) شامل ویژگی های (به نام شناسه های مفهوم) با دیگر مثالهای فاقد آن شناسه ها صورت می گیرد.
- ▶ منظور از شناسه های اصلی، شناسه های مهم قلمرو موردنظر است.
- ▶ در راستای آموزش شناسه های یک مفهوم، ابتدا شناسه های واضح تر، برجسته تر و مرکزی تر و سپس شناسه های دیگر ارائه شود.

ادامه

در آموزش یک مفهوم باید شناسه های مفهومی معرف آن مفهوم و قابل ملاحظه بودن ارزش آنها برای ما کاملا معلوم باشد. همچنین باید مثالهای منفی را از مواردی انتخاب کنیم که بتوانیم بخشی از شناسه های مفهوم و نه همه آن را حذف نماییم.

نقش معلم در جریان تدریس

سه کارکرد مهم معلم در طول مدت تدریس با روش دریافت مفهوم شامل ثبت کردن نمونه ها، نشانه دادن و ارائه توضیحات و مطالب کمکی است.

وظیفه فراگیر اختراع مفاهیم جدید نیست بلکه رسیدن به مفاهیم قبلا تعیین شده به وسیله معلم است.

این الگو یک الگوی نسبتا ساختار یافته است.

مراحل تدریس الگوی دریافت مفهوم

- ▶ گام اول: تعیین هدف اصلی درس
- ▶ گام دوم: استخراج مفهوم اصلی از هدف
- ▶ گام سوم: آشکارسازی شناسه های اصلی مفهوم موردنظر
- ▶ گام چهارم: مقوله بندی مفهوم اصلی در قالب نمونه های مثبت و غیر نمونه ها بر اساس شناسه های اصلی
- ▶ گام پنجم: عرضه نمونه ها به فراگیر
- ▶ گام ششم: تشویق فراگیران به فرضیه سازی در مورد ایده مشترک موجود در نمونه مثبت
- ▶ گام هفتم: قرار دادن نمونه های جدید ارائه شده توسط معلم از سوی دانش آموز در یکی از طبقات بلی یا خیر
- ▶ گام هشتم: اضافه کردن نمونه های جدید در طبقات از سوی فراگیر
- ▶ گام نهم: معلم از فراگیران می خواهد مسیر تفکر خود را برای همکلاسیهایشان شرح دهد.
- ▶ گام دهم: دانش آموزان به بحث و تبادل نظر و انتخاب شیوه مناسبتر دریافت مفهوم می پردازند.
- ▶ گام یازدهم: معلم چنانچه مفهوم موردنظر نام خاصی دارد را معرفی می کند مثل صفت، عدد اول، غزل و ...

روش ایفای نقش: بررسی ارزش ها

اساس روش ایفای نقش اشتغال شرکت کنندگان و مشاهده گران در موقعیتی واقعی دارای مساله و تمایل به حل و فهمی از آن ناشی از این اشتغال است. جریان ایفای نقش نمونه ای زنده از رفتار انسانی بوده و به عنوان وسیله ای به شاگردان کمک می کند تا احساسات خود را دریاند، بینشی نسبت به نگرشها، ارزش ها و ادراکات خود به دست بیاورند، نگرش ها و مهارت های مشکل گشایی خود را رشد دهند و موضوع های دری را ب طرق گوناگون تحلیل کنند.

این روش دارای دو بعد نگرشی و شناختی است. تحلیل و بحث پیرامون نمایش به اندازه ایفای نقش مهم است. از اینرو ایفای نقش به کیفیت نمایش و بخصوص به تحلیل پس از آن بستگی دارد.

مساله ای که در ایفای نقش مورد توجه است یک دوراهی بغرنج را معرفی می کند.

در روش ایفای نقش دانش آموزان در سه دسته ی ایفاگر نقش، مشاهده گر و یادداشت بردار سازمان می یابند.

► **نقش مشاهده گران:** باید آنچه ایفاکنندگان نقش برای انجامش تلاش می کنند، مفید بودن یا نبودن رفتار ایفانندگان نقش و تجارب جانشین برای نمایش را تعیین کنند. مشاهد گران باید بدانند خانچه آنها بخواهند نقش خاصی را بصورت دیگری به نمایش در آورند، می توان فرصتی را برای ایفای آن در نظر گرفت.

► **نقش معلم:** معلم در کلیه مراحل، نقش راهنما و تسهیلگر دارد و کار اصلی را به فراگیران واگذار می کند. ایده اصلی نمایش را بیان و از فراگیرانی که مایل به ایفای نقش هستند دعوت می کند تا بقیه نمایش که شامل تصمیم گیری در موارد موقعیت زاست را به انجام برسانند در مراحل بعد نیز در طرح سوالات و جهت دادن به مسیر نمایش و همینطور بحث و ارزیابی و اجرای مجدد نمایش فراگیران را یاری می دهد. معلم در ابتدای هر مرحله از مراحل به گانه ، مسئول شروع و هدایت فعالیتهای شاگردان است. با این حال تعیین محتوای مناسب یا همان متن نمایش و چگونگی ایفای نقش را عمدتاً به فراگیران واگذار می کند.

اصول اجرای روش

- ۱- معلمان بایستی پاسخ ها و پیشنهادهای دانش آموزان بخصوص عقاید و احساساتشان را به روشی مبتنی بر ارزشیابی پدیدارباشند.
- ۲- معلمان بایستی به طرقی به شاگردان پاسخ دهند تا به کشف جوانب مختلف موقعیت مساله دار، تشخیص و مقابله نکات موجود در جانشین ها کمک نمایند.
- ۳- معلمان با بازتابش و بسط عبارات و خلاصه کردن پاسخ های شاگردان به آگاهی آنان از نظرات و احساسات خودشان می افزایند.
- ۴- معلمان باید تاکید کنند برای ایفای یک نقش راه های گوناگونی وجود دارد و با کشف این راه ها نتایج مختلفی به دست می آید.
- ۵- راه های جانشینی برای تصمیم به حل یک مساله وجود دارد و هیچ راه واحدی تنها راه حل درست نیست.

هدف اصلی این راهبرد عبرت است از: کمک به دانش آموزان در نمایش ارزشها، احساسات، نگرش ها و راه حل مسائل و سپس بررسی آنها توسط معلم. معلم بر آن جنبه از ایفای نقش که با اهداف درس ارتباط بیشتری دارد، تاکید بیشتری می کند.

روش ایفای نقش

گام	شرح گام
1	گرم کردن گروه شامل: شناسایی مسئله، واضح ساختن مسئله، تفسیر داستان مسئله، نشان دادن موضوع های مهم، توضیح ایفای نقش
2	گزینش شرکتکنندگان: تحلیل نقش ها، گزینش بازیگران
3	پردازش صحنه: تنظیم محور رفتار، بیان مجدد نقش ها، وارد شدن در مسئله
4	آماده ساختن مشاهده گران: تعیین چیزی برای جستجو، تخصیص وظایف مشاهده
5	نمایش: شروع ایفای نقش، حفظ ایفای نقش و قطع ایفای نقش
6	بحث و ارزشیابی: بازنگری به رفتار ایفای نقش، بحث درباره موارد عمده، ایجاد نمایش بعدی
7	نمایش دوباره: ایفای نقش های اصلاح شده، پیشنهاد مراحل بعد یا جانشین های رفتاری
8	بحث و ارزشیابی
9	تجارب مشترک و تعمیم: ارتباط موقعیت دارای مسئله به تجربه ی واقعی و مسائل جاری، کشف اصول کلی رفتار

الگوی تفحص گروهی: حل مسئله به شیوه گروهی

▶ شاگردان در این الگو در گروه های خودسالار برای حل مسائل تحصیلی سازمان می یابند و روشهای علمی کاوشگری را بکار گرفته و می آموزند.
▶ این آگو به دنبال سازماندهی گروه های کلاس برای انجام فعالیتهای زیر دارد:

- ▶ (۱) کاربرد روش علمی و کاوشگری
- ▶ (۲) دست زدن به حل مسئله های اجتماعی و تحصیلی
- ▶ (۳) فراهم آوردن موقعیت یادگیری مبتنی بر تجربه
- ▶ در این الگو شاگردان از طریق مذاکره و گفت گو دانش علمی را بررسی می کنند و دست به کار مشکل گشایی اجتماعی می شوند.
- ▶ این روش با یک موقعیت محرک و مسئله دار آغاز می شود. شاگردان اقدام به شناسایی مسئله می کنند. سپس راه کارهای حل آن مسئله را تحلیل می کنند و در جهت رسیدن به نتایج و ارزشیابی نتایج حاصل شده عمل می کنند.
- ▶ نخستین عنصر کاوشگری در این روش، مسئله یا رویدادی است که فرد بتواند بدان عکس العمل نشان دهد و ابهام آمیز باشد.

تعریف حل مسئله:

تلاش برای رفع موانعی که بر سر راه حل یک چالش قرار گرفته است.

- تشخیص مسئله: مشخص کردن چالشی که ذهن را مشغول کرده و مانع تحقق تکلیف مشخصی می شود.
- تعریف و بازنمایی مسئله: بیان واضح و روشن مساله آنچنان که اجزای مسئله مشخص شود.
- تنظیم راهبرد: راهبرد یا راه حل به روش جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات به منظور حل مسئله اشاره دارد که می تواند شامل تحلیل و ترکیب یا تفکرواگرا و همگرا باشد
- سازماندهی اطلاعات: در این مرحله تمامی اطلاعاتی که به نظر می رسد برای انجام دادن موثر تکلیف با آن نیاز است یکپارچه سازی می شود. این مرحله شامل جمع آوری منابع یا ایده های خود محقق است.
- تخصیص منابع: اختصاص منابع مورد نیاز اعم از منابع اطلاعاتی پول زمان تجهیزات و فضا است.
- نظارت: حل ننده مسئله بایستی در تمام طول مسیر خود را واریسی کرده تا اطمینان حاصل کند که به هدفش نزدیکتر شده است. (ارزشیابی مستمر)
- ارزیابی نهایی: در این مرحله تمامی مراحل به طور اجمالی مرور شده تا شباهات احتمالی مشخص شود.

نقش معلم و فراگیر

معلم محتوای موردنظر خود را در قالب موقعیتهای مسئله دار در کلاس مطرح می کند و فعالیت گروه را تسهیل می کند. نقش معلم نقش مشاور و منتقدی دوست است. وی در طرح مسئله وارد عمل می شود ولی شناسایی و تدوین راه حل مسئله را بر عهده دانش آموز باقی می گذارد.

معلم سه عمل معرفی مسئله، مدیریت گروه و معنی فردی را انجام می دهد.

در این روش شناسایی و تدوین مسئله و دنبال کردن آن وظیفه شاگردان به عنوان کاوشگران است. کاوشگری در موقعیت واقعی و تجربه جاری به طور مداوم به فعالیت دست اول و پدید آوردن اطلاعات جدید نیاز دارد. شاگردان بایستی اطلاعات را گرد آورند، آنها را به هم پیوند دهند و دسته بندی کنند، فرضیه ها را تدوین و بیازمایند و پیامدها را بررسی کنند.

در این روش جو کلاسی جو مذاکره و استدلال است. از اینرو فراگیران باید به تفحص و تماس با افراد صاحب نظر در واری چهاردیواری مدرسه تشویق شوند.

روش تفحص گروهی: جان دیویی، هربرت ثلن

گام	شرح گام
1	رویارویی شاگردان با مسئله
2	دانش آموزان چگونگی واکنش به مسئله را کشف می کنند
3	دانش آموزان طرح وظیفه بررسی را تدوین و برای بررسی سازماندهی می کنند
4	بررسی گروهی و مستقل
5	دانش آموزان پیشرفت و فرایند کار را تحلیل می کنند.
6	فعالیت با برخورداری از نتایج از سر گرفته می شود.

قلب این روش تدوین برنامه کاوشگری است

این روش مستلزم فراهم آوردن موقعیت یادگیری مبتنی بر تجربه، دست زدن به حل مسئله ی اجتماعی با استفاده از کاوشگری است.

یادگیری از طریق عرضه مطالب: پیش سازماندهنده

نظریه یادگیری کلامی سه مطلب را در بر دارد:

1. چگونه دانش سازمان می یابد
2. ذهن چگونه برای جریان پردازش اطلاعات جدید کار می کند
3. چگونه معلمان در هنگام ارائه مطالب جدید بین ساختار دانش و ذهن فراگیر پیوند ایجاد می کنند.

تعریف یادگیری: ساخت شناختی + اطلاعات جدید

چنین جریانی از یادگیری، معنی دار و ماندگار است.

کارکرد پیش سازماندهنده: ذهن فراگیران برای دریافت و پردازش اطلاعات را آماده می کند. هدف سازمان دهنده ها توضیح مطالب درسی موردنظر از پیش، یکپارچگی و پیوستگی آن با مطالب پیش آموخته است.

موثر بودن پیش سازمان دهنده بستگی به ارتباط یکپارچه و مناسب بین سازمان دهنده مفهومی و محتوا دارد.

لازمه این روش تدریس این است که معلم ساختار دانش را درک کند. آذوبل به برابری طریق سازمان یافتن رشته علمی با طریق سازمان دادن دانش در آذهان افراد اعتقاد دارد. از نظر آذوبل مطالب جدید فقط بواسطه ارتباط با مفاهیم موجود قابل دسترسی و مرتبط با مطالب جدید بصورت کار آموزی آموخته و حفظ می شوند.

➤ هدف روش: انتقال اطلاعات معنی دار و موثر به فراگیران

نقش معلم:

**سازماندهی اطلاعات ، عرضه منظم و سلسله وار اطلاعات، کمک به فراگیر برای
برقراری ارتباط بین مطالب جدید با ساخت شناختی**

نقش فراگیر:

**ایجاد پیوند ذهنی بین مطالب جدید و مطالب قبلی و ادراک معنای نهفته در
اطلاعات مورد تدریس**

گام های تدریس

(1) استخراج و ارائه پیش سازماندهنده

(2) ارائه مطالب جدید درس در ارتباط با مطالب ساخت شناختی

(3) کمک به فراگیر در برقراری ارتباط بین محتوای جدید و قبلی

الگوی آموزش کاوشگری: آموزش فرایند تفحص و توضیح درباره پدیده ای غیر معمول با شاگردان و وارد کردن مستقیم فراگیران در فرایند تفکر علمی

این الگو در تلاش است تا به شاگردان مهارتها و زبان کاوشگری علمی بیاموزد و روحیه عادت به کاوشگری را در آنها پدید آورد تا ایشان را برای یادگیری مستقل آماده کند.

وظایف معلم:

معلم موقعیتی مسئله زا را برای فراگیران ایجاد می کند سپس از فراگیران می خواهد تا درباره نحوه رویداد حوادث به شکل موجود خود سوال کنند و بطور منطقی داده ها را کسب و پردازش کنند. نظارت بر جریان کاوشگری، پاسخ به پرسش های کاوشگرانه فراگیران و تسهیلگری جریان یادگیری

وظایف شاگرد:

فراگیران فهرستی از سوالات را تهیه می کنند، آنها را مقوله بندی می کنند سپس برای پیدا کردن پاسخ یا راه حل به سراغ منابع اطلاعاتی می روند. پس از جمع آوری اطلاعات فرضیاتی را در مورد موقعیت مسئله زا مطرح می کنند. عبارتی فراگیران اقدام به طرح سوال و پژوهش برای پاسخ به آنها مبتنی بر کنجکاوی خود آنهاست. حاصل این کار بینش مفاهیم و نظریات جدید است.

باید و نیایدهای این الگو

- ▶ شاگردان نباید از معلم بخواهند تا درباره آن پدیده توضیح دهد و اطلاعاتی در اختیار آنها بگذارد.
- ▶ معلم باید در هر حال به سوالات پاسخ آری یا خیر دهد.
- ▶ شاگردان باید تمرکز کنند و بررسی های خود را برای حل مشکل سازمان دهند.
- ▶ هر سوال باید محدود به فرضیه ای باشد برای مثال شاگرد نباید پرسد چگونه حرارت بر فلز اثر می گذارد بلکه پرسد آیا حرارت بیش از نقطه ذوب فلز است.
- ▶ شاگرد باید از معلم بخواهد فرضیه ساخته شده اش را تایید کند.
- ▶ سوال شاگرد از معلم باید به گونه ای باشد که از آن، فرضیه ای قابل طرح باشد.
- ▶ تاکید معلم نباید بیش از حد بر دریافت پاسخ صحیح در بررسی های اولیه فراگیر باشد بلکه تاکید اولیه باید بر مهارت کاوشگری باشد.

مراحل تدریس

- ▶ (1) رویارویی با مسئله
- ▶ (2) گردآوری داده ها- تایید درستی آنها
- ▶ (3) گردآوری داده ها- آزمایشگری یا امتحان
- ▶ (4) سازمان دهی و بیان عبارت قانونمند
- ▶ (5) واکاوی فرایند کاوشگری(فراشناخت)

الگوی بدیعه پردازی

- ▶ مهمترین عنصر این الگو استفاده از قیاس ها یا تفکر قیاسی است.
- ▶ نوآوری، برخورد با تعارض و چیرگی بر ابهامات از ویژگیهای این الگو است. خلاقیت به وسیله فعالیت استعاری در این الگو تبدیل به فرایند آگاهانه می شود. استعاره، ارتباطی از شباهت، مقایسه یک چیز به چیز دیگر و استفاده از یکی به جای دیگری را بوجود می آورد.
- ▶ در این الگو از سه نوع قیاس به عنوان پایه های بدیعه پردازی استفاده می شود: قیاس مستقیم، قیاس شخصی و تعارض دوجبه ای یا فشرده
- ▶ قیاس مستقیم: مقایسه ساده دو مفهوم و موجود است. این عمل با همانندسازی با شخص، گیاه، حیوان و موجود غیرزنده انجام می گیرد.
- ▶ قیاس شخصی: قرار دادن خود به عنوان یک شخص، گیاه، حیوان یا موجود غیرزنده. در این قیاس فرد با تمام وجود و از روی همدلی خود را جای دیگری قرار می دهد.
- ▶ مثال: یک شیمیدان: اگر مولکول باشم چه احساسی خواهم داشت.
- ▶ معلم به شاگردان: موتور یک اتومبیل شوید چه احساسی دارید.
- ▶ تعارض فشرده: توصیف دو کلمه ای به نظر مخالف از یک موضوع است.

مراحل

گام اول: توصیف شرایط موجود شامل توصیف فهم موجود از یک مسئله یا مفهوم

گام دوم: قیاس مستقیم

گام سوم: قیاس شخصی

گام چهارم: تعارض فشرده

گام پنجم: قیاس مستقیم از تعاض فشرده

گام ششم: بررسی مجدد مفهوم، عنوان یا مسئله اولیه

راهبرد آموزش صریح فهم

- مهارت‌های صریح فهم:
- (۱) مهارت کنترل همیشگی فهم:
- به این معنا که فراگیر هنگام خواندن متن، پیام و معنی نهفته در متن را بطور مرتب پیگیری می‌کند.
- خلاصه کردن مولفه مهم کنترل همیشگی است.
- قضاوت کردن مولفه دوم است (به معنای بررسی کردن معنای برآمده از متن).
- مولفه سوم برگشتن به عقب است (به منظور واضح ساختن معنای متن خوانده شده).
- مولفه چهارم سوال پیرامون متن در حال خواندن و پاسخ دادن به سوالات مطرح شده در هنگام خواندن است.
- (۲) مهارت استقرار مراقبان:
- تفکر هنگام خواندن در مواردی نیازمند به اطلاعات بیشتر برای درک است برای مثال نویسنده ای شهری را معرفی می‌کند ولی اطلاعات درباره اندازه یا تاریخچه آن نمی‌دهد خواننده آگاهانه این اطلاعات را در موارد بعدی پیگیری می‌کند.
- (۳) مهارت پیش بینی:
- در حین خواندن متن مدام از خودمان بپرسیم فکر می‌کنی بعد از این چه خواهد شد؟

چگونگی تدریس

- ▶ معلم متن را با صدای بلند می خواند و در بین خواندن متن مکث کرده و مهارت های صریح فهم را برای فراگیران توضیح می دهد. سپس فرصت تمرین به شاگردان می دهد. برای این کار می تواند از کتاب های غیر درسی بهره گیرد.
- ▶ در پی چنین تدریسی جامعه ای با سواد خواندن ساخته و پرورش می یابد.